



A new era of strategic interactions in China-Africa relations

Masoumeh Falahati^{1*}, Afshin Zargar²

1. PhD in International Relations, Department of International Relations, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran

2. PhD in International Relations Associate Professor of International Relations, Department of International Relations, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran

Abstract

In the evolving landscape of strategic interactions between China and Africa, China's influence on the continent has grown significantly. Through economic initiatives and operational proposals, China has enabled African countries to access trade and development opportunities. However, these strategic relations are not without challenges and criticisms, particularly concerns regarding the potential for an imbalanced partnership that favors Chinese interests.

Introduction

The rapid expansion of China's engagement in Africa over recent decades has sparked vigorous debate about the motives and implications of this strategic partnership. This study investigates whether China's policies in Africa primarily aim at consolidating its power or genuinely contribute to Africa's developmental progress. Framing the analysis within the neorealist theory—focusing on state-centric power dynamics within an anarchic international system—the research explores the dual outcomes of China's investments in Africa's economic, infrastructural, and developmental sectors.

* Corresponding Author:

falahatimasi@gmail.com



Copyright© 2025, the Authors | Publishing Rights, ASPI. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution- NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms

The central question is: Does China's policy in Africa mainly serve the goal of enhancing its own power, or does it also foster regional development? The hypothesis posits that, although China's investments in economic, construction, and infrastructure projects primarily aim to expand its influence, these efforts have concurrently supported some African countries' growth and development. The overarching assumption is that while China's activities bolster its geopolitical influence and resource security, they also produce tangible, though uneven, developmental benefits across the continent.

Methodology

Employing a qualitative, analytical-descriptive approach, this study synthesizes data from case studies, policy documents, and secondary sources to examine the interplay between power politics and development outcomes. Guided by a neorealist framework, the analysis evaluates how China employs economic statecraft to attain strategic advantages while addressing Africa's developmental challenges. Data sources include cooperation agreements, investment portfolios, and socio-economic indicators from selected African countries, enabling an assessment of both macro-trends and localized impacts.

Results and Discussion

Findings reveal a dual reality. On one side, China's infrastructure projects—such as ports, railways, and energy facilities—have addressed critical gaps in Africa's development landscape, stimulating economic growth, job creation, and regional connectivity in countries like Ethiopia, Kenya, and Angola. These initiatives often align with national priorities and have empowered local economies. Conversely, the study highlights significant concerns: increasing debt dependency, resource extraction practices, and asymmetrical trade relations that often favor Chinese interests. Strategies such as resource-backed loans and the dominance of Chinese firms in key sectors reflect efforts to secure long-term influence and resource access, consistent with neorealist assertions about power maximization. Additionally, issues of transparency and limited technology transfer risk perpetuating structural inequalities and dependency.

Conclusion

This research concludes that China's engagement in Africa is a complex, multifaceted strategy that combines power projection with selective

developmental contributions. While African countries benefit from infrastructure modernization and economic opportunities, the unequal nature of these partnerships underscores China's underlying geopolitical and economic objectives. Neorealist theory effectively captures this behavior, with China seeking to strengthen its global standing amidst Western hegemony. Nonetheless, the developmental gains, though meaningful, depend on African nations' capacity to negotiate more equitable terms. Policymakers should balance immediate benefits against long-term sovereignty concerns, while continued scrutiny of China's role as a "development partner" is essential to address neo-colonial critiques. This study contributes to broader discussions on the role of emerging powers in the Global South and advocates for nuanced frameworks to evaluate the intersection of power politics and sustainable development.

Keywords: China, Africa, Strategic Interactions, Geopolitical Influence, Neorealism, National Interest, Partnership Diplomacy

عصر جدید تعاملات استراتژیک در روابط چین و آفریقا

معصومه فلاحتی^{۱*}، افشین زرگر^۲

۱. دانش‌آموخته دکتری روابط بین‌الملل، گروه روابط بین‌الملل، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

۲. دانشیار روابط بین‌الملل، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۲/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۱

چکیده

در عصر جدید تعاملات استراتژیک بین چین و آفریقا، تأثیر کشور چین بر آفریقا به شدت گسترش یافته است. چین با ارائه پیشنهادهای اقتصادی و عملیاتی به آفریقایی‌ها این امکان را فراهم کرده است تا از فرصت‌های تجاری و توسعه‌ای در آفریقا بهره‌مند شود. در عین حال این روابط استراتژیک با چالش‌ها و انتقاداتی مواجه بوده و نگرانی‌هایی مبنی بر برقراری رابطه‌ای بی‌تعادل بین دو طرف وجود دارد. سؤال اصلی که مطرح می‌شود آن است که سیاست چین در آفریقا در جهت انباشت قدرت چین یا در جهت بهبود روند توسعه در آفریقا است؟ فرضیه‌ای که مطرح می‌شود آن است که چین در آفریقا با ارائه سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه در زمینه‌های اقتصادی، عمرانی و زیرساختی، علی‌رغم آنکه عمدتاً قدرت و تأثیر خود را گسترش می‌دهد و نقش بزرگی در این منطقه و در جهت انباشت قدرت خود ایفا می‌کند، بهبود روند توسعه و رشد اقتصادی در برخی از کشورهای آفریقایی را نیز تقویت کرده است. برای این نوشتار از منابع کتابخانه‌ای و مقاله‌ها بهره برده شده است و مقاله حاضر با استفاده از روش کیفی و با رویکردی تحلیلی - توصیفی مبتنی بر نظریه نئورئالیسم، به دنبال بررسی روند روابط چین و آفریقا است و

یافته پژوهش آن است که گسترش روابط چین و آفریقا نقاط مثبت و منفی‌ای بر روی روند توسعه در آفریقا داشته است.

واژه‌های کلیدی: چین، آفریقا، تعاملات استراتژیک، نفوذ ژئوپولیتیک، نئورئالیسم، منافع ملی، دیپلماسی مشارکت.

مقدمه

در چند دهه اخیر، تحولات ژئوپولیتیک و اقتصادی جهان، نقش بازیگران نوظهور را در عرصه بین‌الملل پررنگ کرده است. در این میان، چین به‌عنوان قدرتی جهانی با اتخاذ رویکردی فعال در قاره آفریقا، فصل جدیدی از تعاملات استراتژیک را رقم زده است. از دوران استعمارزدایی در نیمه دوم قرن بیستم تاکنون، آفریقا همواره صحنه رقابت قدرت‌های خارجی بوده است، اما حضور چین در این منطقه، با ماهیتی متفاوت و تمرکز بر «همکاری برد-برد» الگویی منحصربه‌فرد از مشارکت را ارائه کرده است. در دهه‌های اخیر، روابط چین و آفریقا به یکی از مهم‌ترین محورهای تعاملات بین‌المللی تبدیل شده است و صحنه روابط بین‌الملل شاهد تحولی چشمگیر در تعاملات میان چین و آفریقا بوده است. این روابط که زمانی بر پایه هم‌بستگی‌های ایدئولوژیک و حمایت‌های سیاسی دوران جنگ سرد استوار بود، اکنون به یکی از پیچیده‌ترین و چندوجهی‌ترین روابط در عرصه جهانی تبدیل شده است. چین به‌عنوان قدرتی نوظهور جهانی، با بهره‌گیری از استراتژی‌های هوشمندانه و چندبعدی، به دنبال گسترش نفوذ خود در قاره آفریقا است. این تعاملات استراتژیک جدید که فراتر از روابط سنتی اقتصادی و سیاسی است، شامل همکاری‌های گسترده در زمینه‌های مختلف از جمله توسعه زیرساخت‌ها، تبادلات فرهنگی، همکاری‌های علمی و فناوری و حتی مشارکت‌های امنیتی و نظامی می‌شود. سرمایه‌گذاری‌های کلان چین در حوزه‌های ذکر شده نه تنها بازتاب اهداف توسعه داخلی این کشور برای دسترسی به منابع و بازارهای جدید است، بلکه به‌عنوان موتور محرکه‌ای

برای رشد اقتصادی برخی از کشورهای آفریقایی نیز عمل کرده است. چین با استفاده از ابزارهای متنوع قدرت نرم و سخت، ازجمله سرمایه‌گذاری‌های کلان در پروژه‌های زیربنایی، اعطای وام‌های سخاوتمندانه و ایجاد مراکز فرهنگی و آموزشی به دنبال ایجاد رابطه‌ای عمیق و پایدار با کشورهای آفریقایی است. این تعاملات، هر چند در نگاه اول زمینه‌ای برای توسعه متوازن قاره‌ای به نظر می‌رسد، پرسش‌هایی جدی را درباره انگیزه‌های پکن، توازن قدرت در آفریقا و پیامدهای بلندمدت این همکاری‌ها بر می‌انگیزد. پرسشی که مطرح می‌شود آن است که روابط چین و آفریقا که در دهه‌های اخیر از هم‌بستگی صرفاً ایدئولوژیک به سمت تعاملات استراتژیک سوق پیدا کرده است فقط در جهت انباشت قدرت چین بوده است یا توسعه کشورهای آفریقایی را نیز به همراه داشته است؟ چین با سرمایه‌گذاری‌های خود در قاره آفریقا به دنبال گسترش نفوذ خود به‌عنوان یک قدرت جهانی در رقابت با سایر قدرت‌ها بوده و ابتکار کمربند و جاده چین به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین طرح‌های زیرساختی قرن، نقش مهمی در شکل‌دهی به این روابط جدید ایفا کرده است. این طرح نه تنها به توسعه اقتصادی کشورهای آفریقایی کمک کرده، بلکه به چین نیز امکان داده تا نقش خود را به‌عنوان یک شریک استراتژیک کلیدی برای آفریقا تثبیت کند. با توجه به رشد سریع اقتصادی چین و نیاز آفریقا به سرمایه‌گذاری‌های خارجی و همچنین منابع طبیعی، همکاری‌های بین این دو منطقه به یک عصر جدید تعاملات استراتژیک رسیده است. این تعاملات به‌وسیله ارتباطات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، تأثیرات عمیقی بر روند توسعه دارند.

با این حال این روابط رو به رشد میان چین و آفریقا با چالش‌ها و انتقاداتی نیز روبه‌رو بوده است. برخی نگران وابستگی فزاینده کشورهای آفریقایی به چین و احتمال به دام افتادن در تله بدهی هستند. همچنین نگرانی‌هایی درمورد تأثیرات زیست‌محیطی پروژه‌های چینی و رقابت با کسب و کارهای محلی وجود دارد. در این میان قدرت‌های غربی نیز با نگرانی به افزایش نفوذ چین در قاره آفریقا می‌نگرند و تلاش می‌کنند تا استراتژی‌های خود را برای حفظ جایگاهشان در این قاره بازنگری کنند. این امر به شکل‌گیری یک رقابت

ژئوپولیتیک جدید در قاره آفریقا منجر شده است. این پژوهش بر آن است که تا با واکاوی ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی همکاری‌های چین و آفریقا، تناقض ظاهری میان «انباشت قدرت» و «توسعه مشارکتی» را تحلیل کند. این مقاله به بررسی عصر جدید تعاملات استراتژیک میان چین و آفریقا می‌پردازد. با تحلیل ابعاد مختلف این روابط، به دنبال ارائه تصویری جامع از پویایی‌های پیچیده این روابط و تأثیرات آن بر نظام جهانی در حال تغییر است. همچنین چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی این روابط و پیامدهای آن برای آینده توسعه آفریقا و جایگاه جهانی چین مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

تعاملات استراتژیک جدید بین چین و آفریقا در بستر تحولات گسترده‌تر جهانی رخ می‌دهد، ظهور نظم چندقطبی جهانی، تغییرات اقلیمی، بحران‌های بهداشت جهانی مانند پاندمی کووید-۱۹ و تحولات تکنولوژیک همگی بر ماهیت و شکل این روابط تأثیر می‌گذارند. چین با ارائه مدل توسعه متفاوت از الگوهای غربی، به دنبال معرفی خود به عنوان یک شریک قابل اعتماد برای کشورهای درحال توسعه آفریقا است. نقش فزاینده چین در حل مناقشات منطقه‌ای آفریقا و مشارکت در عملیات‌های حفظ صلح سازمان ملل در این قاره نشان‌دهنده تمایل پکن به ایفای نقش فعال‌تر در امور جهانی و تثبیت موقعیت خود به عنوان یک قدرت مؤثر است. هر کشور و ملتی در عرصه روابط بین‌الملل در جهت دستیابی به منافع ملی خود اقدام می‌کند و آنچه ثابت و پایدار است، منافع ملی است. چین به عنوان یک قدرت در حال خیزش به دنبال حداکثرسازی قدرت خود و تأثیرگذاری بر معادلات بین‌المللی است. منافع اساسی چین بستگی به تداوم رشد قوی اقتصادی آن دارد. هدف اصلی دیپلماسی چین در عرصه قدرت جهانی گسترش نفوذ و انباشت قدرت آن است که از طریق مشارکت و همکاری با دیگر کشورهای جهان فراهم می‌شود. بنابراین چین در سیاست جهانی و منطقه‌ای با تأکید بر عقلانیت و منافع ملی باید با دیگران همکاری کند و به نظر می‌رسد روابط چین و آفریقا می‌تواند با این الگو مورد بررسی قرار گیرد. برای تحلیل این پژوهش، نظریه نئورئالیسم با تمرکز بر ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل و تلاش دولت‌ها برای افزایش قدرت و امنیت در رقابت با بازیگران دیگر قابلیت

تبیین بهتری دارد، زیرا تعاملات چین و آفریقا را می‌توان در چارچوب رقابت‌های ژئوپولیتیک، جست‌وجوی منابع و تلاش چین برای تقویت جایگاه خود در برابر رقبایی مانند آمریکا و اتحادیه اروپا تحلیل کرد. این نظریه همچنین رفتار آفریقا را به‌عنوان بازیگری منطقه‌محور در پیوند با موازنه قدرت و منافع استراتژیک چین تفسیر می‌کند. در این راستا در گام نخست، چارچوب نظری مقاله بررسی می‌شود با هدف تبیین مبانی نظریه نئورئالیسم و ارتباط آن با موضوع مقاله که در این بخش مفاهیمی مانند ساختار آنارشیک نظام بین‌الملل، موازنه قدرت، رقابت برای بقا و جست‌وجوی قدرت نسبی بیان می‌شود. با توجه به اینکه چین به‌عنوان یکی از قدرت‌های بزرگ بین‌المللی در سال‌های اخیر توانسته تعاملات گسترده‌ای با کشورهای آفریقایی برقرار سازد در این زمینه پژوهش‌هایی صورت پذیرفته است که در این اثر به برخی از آن‌ها در گام دوم اشاره می‌شود. در گام سوم این پژوهش، پیشینه روابط چین و آفریقا در دوره‌های مختلف بررسی می‌شود. در گام بعدی چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی روابط چین و آفریقا بیان می‌شود و ارزیابی از آینده روابط چین و آفریقا صورت می‌گیرد و در نهایت نتیجه‌گیری از تمامی مباحث مطرح‌شده در پژوهش انجام می‌شود.

روش تحقیق

این مقاله با بهره‌گیری از روش کیفی و با رویکردی تحلیلی- توصیفی مبتنی بر نظریه نئورئالیسم، به دنبال بررسی روند روابط چین و آفریقا است و در این مقاله، چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی این روابط و پیامدهای آن برای آینده توسعه آفریقا و جایگاه جهانی چین مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

چارچوب نظری

برای مطالعه روابط بین‌الملل چارچوب‌های نظری امکانات مناسبی جهت درک الگوهای رفتاری و فرایندهای سیاسی و بین‌المللی فراهم می‌سازند و از آنجا که هر یک از نظریه‌ها و

رویکردهای روابط بین‌الملل از هستی‌شناسی، متدولوژی و معرفت‌شناسی خاصی پیروی می‌کنند، هرکدام قادرند تنها بخش‌هایی از وقایع بین‌المللی را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهند. هر نظریه نشان‌دهنده تلاش محققان برای ارائه توضیح بهتری برای رفتار دولت‌ها و توصیف ماهیت سیاست بین‌المللی است.

نئورئالیسم به عنوان یکی از نظریه‌های کلیدی در روابط بین‌الملل، با تمرکز بر ساختار نظام بین‌الملل و رفتار عقلانی دولت‌ها در شرایط آنارشیک، ابزاری کارآمد برای تحلیل تعاملات چین و آفریقا ارائه می‌دهد. نئورئالیسم نتیجه تلاش‌های نظری کنت والز در کتاب *تئوری سیاست بین‌الملل* و نوشته‌های جان مرشایمر در کتاب *تراژدی قدرت‌های بزرگ* است. نئورئالیست‌ها معتقدند که قدرت مهم‌ترین عنصر در روابط بین‌الملل است و قدرت، جایگاه و نفوذ کشورها را که اصلی‌ترین بازیگران عرصه بین‌الملل هستند را تعیین می‌کند (Asgarkhani et al., 2019: 165). نئورئالیست‌ها ادعا دارند دنیا رقابت‌آمیز و نامطمئن است و ساختار نظام بین‌الملل، سیاست قدرت را به پارادایم سیاسی غالب تبدیل کرده است و اگر دولت‌ها برای به حداکثر رساندن نفوذ خود تلاش نکنند، دولت‌های دیگر در فرصتی مناسب، چنین سهمی از نفوذ را از آن خود خواهند کرد (Mokaramipur et al., 2022: 171). مرشایمر مهم‌ترین هدف دولت‌ها و قدرت‌های بزرگ را بقا و حداکثرسازی سهم خود از قدرت جهانی و تسلط بر نظام بین‌الملل می‌داند. در این راستا چین به عنوان یک قدرت در حال خیزش به دنبال حداکثرسازی قدرت خود و تأثیرگذاری بر معادلات بین‌المللی است (Barati & Shirkhani, 2013).

نئورئالیسم برخلاف رئالیسم کلاسیک که بر ماهیت قدرت‌طلبی ذاتی انسان‌ها تمرکز دارد، بر ساختار نظام بین‌الملل به عنوان عامل تعیین‌کننده رفتار دولت‌ها تأکید می‌کند. مفاهیم آنارشی، قدرت نسبی، موازنه قدرت و عقلانیت ابزاری مفاهیمی هستند که اساس تحلیل تعاملات چین و آفریقا را تشکیل می‌دهند، در شرایط آنارشیک، چین به عنوان یک قدرت رو به رشد، با سرمایه‌گذاری در آفریقا به دنبال افزایش قدرت نسبی خود در برابر رقبایی مانند آمریکا و اتحادیه اروپاست، در حالی که کشورهای آفریقایی نیز از این

همکاری برای کاهش وابستگی به غرب و دستیابی به منابع توسعه بهره می‌برند. از منظر نئورئالیسم، اقدامات چین در آفریقا را می‌توان در چارچوب رقابت برای قدرت نسبی و تضمین امنیت ملی تفسیر کرد.

آفریقا منبع حیاتی مواد خام مورد نیاز چین است. واردات نفت چین از آفریقا به‌ویژه از آنگولا و نیجریه تأمین می‌شود یا این که کبالت که ماده کلیدی برای باتری‌های الکتریکی است از جمهوری کنگو استخراج می‌شود که عمدتاً به چین صادر می‌شود (Irdiploacy, 2009). کنترل این منابع، امنیت انرژی و صنایع فناورانه چین را تضمین می‌کند و جایگاه آن را در رقابت با قدرت‌های غربی تقویت می‌سازد. منافع اساسی چین در تداوم رشد قوی اقتصادی‌اش نهفته است. اهداف اصلی دیپلماسی چین شامل حفظ مسئولیت چین در عرصه قدرت جهانی است که از طریق مشارکت، همکاری، تضمین‌ها و تعهدات جهانی از حقوق و امتیازات چین در نظام بین‌الملل حمایت می‌کند، بنابراین هر کشور و ملتی در راستای منافع ملی خود قدم بر می‌دارد و آنچه ثابت و پایدار است، منافع ملی است (Torabi et al., 2023:35). در سیاست جهانی و منطقه‌ای با تأکید بر عقلانیت و منافع ملی باید با دیگران همکاری کرد و به نظر می‌رسد روابط چین و آفریقا می‌تواند با این الگو مورد بررسی قرار گیرد.

نئورئالیسم، رفتار کشورهای آفریقایی را نیز در چارچوب عقلانیت ابزاری و موازنه قدرت توضیح می‌دهد و با تمرکز بر ساختار آنارشیک و عقلانیت دولت‌ها، نه تنها رفتار چین و آفریقا را تبیین می‌کند، بلکه هشدار می‌دهد که توسعه اقتصادی در شرایط آنارشیک، همواره با هزینه‌های استراتژیک همراه است.

یافته‌ها و نتایج تحقیق

کشورهای آفریقایی سرمایه‌گذاری‌های چین را با هدف پر کردن شکاف‌های زیرساختی و کاهش وابستگی به غرب می‌پذیرند. برخی کشورهای آفریقایی از رقابت چین و غرب برای حداکثرسازی منافع ملی استفاده می‌کنند. با این حال، نئورئالیسم هشدار می‌دهد که

همکاری با قدرت‌های بزرگ می‌تواند به وابستگی استراتژیک بینجامد، بنابراین، گسترش روابط چین و آفریقا نقاط مثبت و منفی‌ای بر روی روند توسعه در آفریقا داشته است.

پیشینه پژوهش

با توجه به اینکه چین به‌عنوان یکی از قدرت‌های بزرگ بین‌المللی در سال‌های اخیر توانسته تعاملات گسترده‌ای با کشورهای آفریقایی برقرار سازد در این زمینه پژوهش‌های صورت پذیرفته است که به اختصار به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌شود:

عثمان و شیائویانگ (2024) در مقاله گذار اقتصادی چین چگونه بر روابط آن با آفریقا تأثیر می‌گذارد؟، با توجه به کاهش رشد اقتصادی چین، وضعیت روابط اقتصادی چین و آفریقا را بررسی می‌کنند و بیان می‌دارند که رشد اقتصادی چین کاهش یافته، زیرا سیاست‌گذاران اقتصاد را به سمت یک مدل رشد با فناوری پیشرفته‌تر، مصرف‌محور و سازگار با محیط زیست با کاهش مواجهه با شوک‌های ژئوپولیتیکی هدایت می‌کنند و این گذار اقتصادی به‌طور فزاینده‌ای پیامدهایی بر روابط اقتصادی بین‌المللی چین با بقیه جهان خواهد داشت. تغییر الگوهای تجارت بین کشورهای آفریقایی و چین توسط سیاست‌های اقتصادهای پیشرفته و خود کشورهای آفریقایی شکل خواهد گرفت و احتمالاً کشورهای آفریقایی را بیشتر به آغوش چین سوق خواهد داد. سازمند و درستکار (2022) در مقاله راهبرد قدرت هوشمند چین در آفریقا، به دنبال پاسخ به این سؤال هستند که چین از چه ابزارهایی برای حضور فعال در آفریقا بهره گرفته است؟ در پاسخ به این سؤال بیان می‌دارند که با بهره‌گیری از قدرت هوشمند با ایفای نقشی پررنگ در بهبود شاخص‌های توسعه توانسته است حضور فعالانه‌ای در آفریقا داشته باشد. قربانی شیخ‌نشین و حداد زند (2020) در مقاله مقایسه تطبیقی قدرت هوشمند چین و ایالات متحده آمریکا در آفریقا، بررسی می‌کنند که بهره‌گیری از قدرت سخت و استفاده از سازوکارهای قدرت نرم در سیاست خارجی چین و آمریکا در قبال آفریقا چه جایگاهی دارد؟ آن‌ها بیان می‌کنند که نخبگان چین با ایجاد هارمونی و بهره‌گیری متوازن از منابع و ابزارهای قدرت هوشمند و بدون ایجاد محدودیت توانسته‌اند جایگاه خود را نسبت به آمریکا در آفریقا افزایش دهند.

حسینی و سنائی (2019) در مقاله حضور اقتصادی چین در آفریقا و زمینه‌های بروز رقابت با آمریکا، فعالیت‌های چین در آفریقا و زمینه‌های بروز رقابت با آمریکا را بررسی می‌کنند و بیان می‌دارند گسترش حضور چین در آفریقا به همراه اولویت راهبردهای غیرنظامی هر دو طرف در این قاره، سبب آسیب‌پذیری و حساسیت دو سویه آمریکا و چین نسبت به سیاست‌های یکدیگر در این قاره شده است. پژوهش حاضر به دنبال آن است که روابط چین و آفریقا را در ابعاد مختلف بررسی کند و چالش و فرصت‌های فراروی دو منطقه را در تعاملات استراتژیک میانشان بیان دارد.

پیشینه تاریخی روابط چین و آفریقا

روابط چین و آفریقا در تعاملات باستانی، همکاری‌های دوران استعمارزدایی و مشارکت‌های اقتصادی مدرن ریشه دارد. این روابط از مسیرهای تجاری اولیه تا همکاری‌های استراتژیک کنونی، تحولات چشمگیری را پشت سر گذاشته است. در این پژوهش با تکیه بر منابع معتبر، مراحل تاریخی این رابطه را بررسی می‌کنیم. روابط بین چین و آفریقا به دوران امپراتوری چین باز می‌گردد، اما روابط فعلی و گسترده‌تر آن‌ها در دهه‌های اخیر شکل گرفته است. آفریقا از زمان پایان جنگ داخلی چین در سال ۱۹۴۷ برای سیاست خارجی چین بسیار مهم بوده است و چین از جنبش‌های آزادی‌بخش آفریقایی در طول جنگ سرد حمایت کرد و روابط چین و آفریقا زیربنای سیاست خارجی چین است (Vines & Wallace, 2023).

دوره باستان و قرون وسطی

شواهد اولیه از تعاملات غیرمستقیم بین چین و آفریقا از طریق جاده ابریشم دریایی و شبکه‌های تجاری هندوستان وجود دارد. در دوره‌های باستانی، تجارت بین چین و آفریقا از طریق این مسیرهای تجاری برقرار بود. در این دوران، کالاهای چینی مانند ابریشم و سفال به سواحل شرقی آفریقا می‌رسیدند. سفرهای ژنگ هو (۱۴۰۵-۱۴۳۳)، دریاسالار چینی

چندین سفر اکتشافی به سواحل آفریقا از جمله کنیا، سومالی و موزامبیک انجام داد که این سفرها با هدف نمایش قدرت چین و گسترش نفوذ تجاری بود. روابط سیاسی دوران معاصر میان چین و آفریقا نیز با برقراری روابط دیپلماتیک بین چین و جمهوری مصر در سال ۱۹۵۶ میلادی آغاز شد (Bakhshi, 2009). چین و آفریقا از دهه ۱۹۵۰ به بعد، مناسبات اقتصادی و سیاسی داشته‌اند. در دوران سی ساله ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰، روابط سیاسی چین با این قاره بیشتر بر مبنای حمایت از ملل زیر ستم و روابط اقتصادی نیز براساس کمک‌های بلاعوض و وام‌های بدون بهره بوده است (Omidvarnia, 2004: 97).

روابط چین و آفریقا در قرن نوزدهم و در دوران استعمار

در این دوره، روابط چین و آفریقا تحت تأثیر حضور قدرت‌های اروپایی در آفریقا و ضعف داخلی در چین قرار داشت که این دوران با حضور محدود چین در آفریقا و استفاده استعمارگران اروپایی از نیروی کار چینی در پروژه‌های استعماری همراه بود. در این دوره، چین تحت حاکمیت سلسله چینگ (۱۶۴۴-۱۹۱۲) و سپس جمهوری چین (۱۹۱۲-۱۹۴۹) قرار داشت که به دلیل بحران‌های داخلی و شورش‌های داخلی توانایی ارتباط مستقیم با آفریقا را نداشت (Lotfalahi, 2022).

اگرچه چین در این دوره نقش فعالی در آفریقا نداشت، اما برخی جنبش‌های ضداستعماری از ایدئولوژی‌های چینی مانند اندیشه‌های سون یاتسن (بنیانگذار جمهوری چین) الهام گرفتند. پس از تشکیل جمهوری خلق چین در ۱۹۴۹، این کشور به تدریج از جنبش‌های استقلال‌طلبانه آفریقایی حمایت کرد، اما این همکاری‌ها عمدتاً به دوره پساستعماری دهه ۱۹۵۰ به بعد مربوط می‌شود (Fereydouni, 2023).

دوران جنگ سرد و استعمارزدایی (۱۹۴۹-۱۹۹۱)

با تاسیس جمهوری خلق چین در ۱۹۴۹، این کشور با شعار حمایت از جهان سوم در برابر امپریالیسم غرب و شرق، به دنبال ایجاد اتحاد با کشورهای تازه استقلال‌یافته آفریقایی بود.

کنفرانس باندوگ در سال ۱۹۵۵، نقطه عطفی در این راه محسوب می‌شد، جایی که چین به عنوان رهبر جنبش عدم تعهد ظاهر شد و از کشورهای آفریقایی در نبرد علیه استعمار حمایت کرد. چین با ارسال نیروهای متخصص به پروژه‌های زیرساختی مانند راه آهن زامبیا-تانزانیا (۱۹۷۰-۱۹۷۵) و آموزش نظامی به جنبش‌های آزادی‌بخش مانند جنبش‌های آنگولا و موزامبیک، نقش فعالی در توسعه آفریقا ایفا کرد (Lotfalahi, 2022).

در دوران جنگ سرد، چین با تبلیغ سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی، خود را حامی مبارزات ضداستعماری معرفی می‌کرد و از جنبش‌های استقلال‌طلبانه در آفریقا حمایت می‌کرد و در مقابل انتظار داشت این کشورها از مواضع چین در مقابل غرب و شوروی پشتیبانی کنند. در طول جنگ سرد، آفریقا به عرصه رقابت ایالات متحده، شوروی و چین تبدیل شد. چین با انتقاد از استعمار نو توسط غرب، سعی می‌کرد خود را به عنوان آلترناتیوی غیرامپریالیستی معرفی کند. این موضوع در تضاد با سیاست‌های شوروی نیز قرار داشت، زیرا چین خواهان رهبری جنبش‌های سوسیالیستی در آفریقا بود. با این حال، پس از اصلاحات اقتصادی دنگ شیائوپینگ در دهه ۱۹۸۰، رویکرد چین به سمت همکاری‌های اقتصادی محض تغییر کرد، هرچند میراث ایدئولوژیک دوره جنگ سرد تا حدی باقی ماند.

پس از واقعه میدان تیانانمن در سال ۱۹۸۹ و انزوای سیاسی چین توسط کشورهای غربی، آفریقا اهمیت بیشتری برای چین پیدا کرد. در این شرایط چین متوجه شد که می‌تواند در شرایط بحرانی بر حمایت کشورهای آفریقایی حساب کند و این نقطه عطف در روابط چین و آفریقا محسوب می‌شود. هم‌زمانی این اتفاق با سیاست‌های حل مشکلات اقتصادی، تعدیل سیاست‌های ایدئولوژیک و پایان جنگ سرد، باعث شد چین با تدوین سیاست‌ها و راهبردها از فضای جدید استفاده کند و با استفاده از آرای کشورهای آفریقایی موقعیت خود را در عرصه بین‌المللی تقویت کند. پس از این دیگر گرایش‌های اقتصادی اولویت دیپلماسی چین در آفریقا شد.

دوران پساجنگ سرد و جهانی سازی

الف) تغییر رویکرد سیاست خارجی چین به آفریقا؛ تحول روابط از هم‌بستگی ایدئولوژیک به مشارکت استراتژیک

پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، چین با اصلاحات اقتصادی دنگ شیائوپینگ، سیاست خارجی خودش رو از ایدئولوژی محور به اقتصادمحور تغییر داد. این تغییر در آفریقا به معنای جایگزینی حمایت‌های انقلابی با سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی و تجاری بود. چین در این دوره به دنبال دسترسی به منابع طبیعی مانند نفت، معادن و مواد خام برای تقویت رشد اقتصادی خود و همچنین ایجاد بازارهای جدید برای محصولات صنعتی‌اش بود (Aminnejad & Khosravi, 2012).

روابط چین و آفریقا طی دهه‌های اخیر تحول چشمگیری داشت. در ابتدا روابط چین و آفریقا بر پایه هم‌بستگی ایدئولوژیک و حمایت از جنبش‌های ضداستعماری شکل گرفت و در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، چین با نگاهی ایدئولوژیک به آفریقا می‌نگریست و تلاش می‌کرد از طریق حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش با گرایش‌های کمونیستی، نفوذ خود را در این قاره گسترش دهد (Erfanian, 2019)، اما از دهه ۱۹۷۰ و با بهبود روابط چین و آمریکا، رویکرد پکن نسبت به آفریقا نیز دستخوش تغییر شد، سفر نخست وزیر وقت چین به ۱۰ کشور آفریقایی در سال ۱۹۶۳، نقطه عطفی در این روابط محسوب می‌شود که محور تعاملات را از سیاست به سمت اقتصاد سوق داد. (Hoseini & Sanaie, 2018:74). تا قبل از آن روابط چین و کشورهای آفریقایی بیشتر بر پایه هم‌بستگی ایدئولوژیک بود. چین به عنوان یک کشوری که خودش نهضت جدیدی را تجربه کرده بود، با کشورهای آفریقایی که در حال توسعه بودند هم‌بستگی‌های ایدئولوژیک و انقلابی را به اشتراک می‌گذاشت. این هم‌بستگی‌های ایدئولوژیک شامل مبارزه با استعمار و تفکرات غربی، ترویج توسعه اقتصادی و اجتماعی بر پایه استقلال و خودکفایی بود. چین با استفاده از حمایت کشورهای آفریقایی، جایگاه خود را در مجامع بین‌المللی تقویت کرد. برای مثال در سال ۱۹۷۱، ۲۶ کشور آفریقایی به نفع چین برای کسب کرسی سازمان ملل رأی دادند (Masoumi, 2021).

در دوران اصلاحات پس از مائو، رهبران چین سیاست‌هایی را در پیش گرفتند تا موقعیت این کشور را به‌عنوان یک قدرت جهانی احیا کنند. این رویکرد جدید، به تعمیق روابط اقتصادی با کشورهای آفریقایی منجر شد (Mirtorabi & Sariaslani, 2020: 268). بحران مالی سال ۲۰۰۸ نقطه عطف دیگری در روابط چین و آفریقا بود. پس از این بحران، چین به دنبال منابع جدید رشد اقتصادی برآمد و سرمایه‌گذاری در خارج از کشور از جمله در آفریقا را در اولویت قرار داد و این امر به افزایش چشمگیر حضور اقتصادی چین در آفریقا منجر شد (Mirtorabi & Sariaslani, 2020: 263). در دهه‌های اخیر روابط چین و آفریقا از ابعاد هم‌بستگی ایدئولوژیک به مشارکت استراتژیک پیچیده‌تر و گسترده‌تری متحول شده است. چین به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان، به دنبال توسعه روابط با کشورهای آفریقایی به‌منظور تأمین نیازهای اقتصادی و امنیتی خود است که این شامل همکاری در زمینه تجارت، سرمایه‌گذاری، توسعه زیرساخت‌ها و انتقال فناوری می‌شود. چین از طریق ابتکاراتی مانند مجمع همکاری چین و آفریقا و پروژه کمربند-جاده، حضور اقتصادی و سیاسی خود را در قاره آفریقا گسترش داده است. این کشور همچنین از ابزارهای قدرت نرم مانند کمک‌های توسعه‌ای، تبادلات فرهنگی و آموزشی برای تقویت نفوذ خود در آفریقا استفاده می‌کند (Hoseini & Sanaie, 2018: 88). این تحول از هم‌بستگی ایدئولوژیک به مشارکت استراتژیک نشان از قدرت چین به‌عنوان یک قدرت بزرگ در سطح بین‌المللی و تأثیرگذاری آن بر روابط بین‌المللی است. این تحول نه تنها باعث تحول در روابط چین و آفریقا شده است بلکه اثرات آن بر جهان نیز قابل توجه است.

چین در دهه‌های اخیر رویکرد استراتژیک چندبعدی را جایگزین هم‌بستگی ایدئولوژیک در روابط خود با کشورهای آفریقایی کرده است. چین به‌عنوان یک اقتصاد بزرگ و صاحب نیازهای انرژی و منابع طبیعی، نیاز زیادی به تأمین منابع دارد و آفریقا به‌عنوان یک قاره دارای غنای منابع طبیعی مورد توجه چین بوده و فرصتی برای تأمین نیازهای این کشور ارائه کرده است. چین برای تداوم رشد اقتصادی خود نیاز به تأمین منابع

انرژی و بازارهای جدید داشت. چین برای حفظ جایگاه قدرت جهانی خود نیازمند روابط گسترده‌تر اقتصادی و سیاسی است. (Zolfaghari, 2015: 184). چین به‌عنوان یک کشور صاحب صنعت بزرگ و دارای رشد اقتصادی چشمگیر، به دنبال توسعه روابط تجاری و اقتصادی با کشورهای آفریقایی است. این همکاری‌ها نه تنها به توسعه اقتصادی چین کمک می‌کنند بلکه به کشورهای آفریقایی نیز فرصت‌هایی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی ارائه می‌دهند. افزایش قدرت شرکت‌های چینی و نیاز آن‌ها به بازاریابی بین‌المللی و کسب سود موجب تحول در روابط چین با آفریقا شد. با تنوع بخش‌های اقتصادی، آفریقا به‌عنوان یک بازار بزرگ برای صادرات چینی‌ها اهمیت دارد و همکاری با کشورهای آفریقایی به چین اجازه می‌دهد تا از بازارهای جدید، استفاده و تولیدات خود را صادر کنند.

به طور کلی می‌توان گفت عواملی کلیدی همچون تغییر رویکرد چین پس از دهه ۱۹۷۰ و بهبود روابط با آمریکا، اصلاحات پس از مائو و تلاش رهبران چین برای احیای موقعیت کشور به‌عنوان قدرت جهانی، نیاز چین به تأمین منابع انرژی و توسعه زیرساخت‌های ارتباطی، بحران مالی ۲۰۰۸ که باعث شد چین به دنبال منابع جدید رشد اقتصادی برآید و سرمایه‌گذاری در آفریقا را در اولویت قرار دهد و همچنین استفاده چین از ابزارهای قدرت نرم مانند کمک‌های توسعه‌ای و تبادلات فرهنگی برای گسترش نفوذ در آفریقا، باعث شد روابط چین و آفریقا از یک هم‌بستگی صرفاً ایدئولوژیک به یک مشارکت استراتژیک چندبعدی با تمرکز بر منافع اقتصادی و ژئوپولیتیکی تبدیل شود.

ب - رشد تجاری و سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی

در دهه ۱۹۹۰، حجم تجارت چین با آفریقا به‌طور چشمگیری افزایش یافت. در سال ۱۹۹۵، حجم مبادلات تجاری به ۳ میلیارد دلار رسید و تا سال ۲۰۰۰ روند صعودی خود را حفظ کرد. این رشد ناشی از پروژه‌های زیرساختی مانند راه آهن تازارا (بین تانزانیا و زامبیا)، نیروگاه‌های برق آبی و توسعه بنادر بود، این پروژه‌ها نه تنها زیرساخت‌های آفریقا را بهبود بخشید، بلکه فرصت‌های شغلی برای جوامع محلی ایجاد کرد (Plusmamedia, 2023). همچنین برخلاف نهادهای مالی غربی، چین وام‌هایی بدون شرط سیاسی یا

اصلاحات ساختاری اعطا می‌کرد که این رویکرد برای کشورهای آفریقایی جذاب بود، اما در بلندمدت به افزایش بدهی‌ها و وابستگی اقتصادی منجر شد (Lotfalahi, 2022). چین به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاران در زیرساخت‌های آفریقا شناخته می‌شود و این سرمایه‌گذاری‌ها به توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای آفریقایی بسیار کمک کرده است. چین در سال‌های اخیر سرمایه‌گذاری‌های عظیمی در زیرساخت‌های آفریقا انجام داده است. میزان سرمایه‌گذاری خارجی چین در آفریقا روند صعودی داشته و در سال ۲۰۱۹ به حدود ۳ میلیارد دلار رسیده است (Movahed, 2022). چین عمدتاً در زیرساخت‌ها که مهم‌ترین بخش توسعه کشورهای آفریقایی است سرمایه‌گذاری می‌کند تا نبض توسعه و اقتصاد آن کشورها را در اختیار داشته باشد. هدف چین از این سرمایه‌گذاری‌ها، گسترش نفوذ اقتصادی و سیاسی در قاره آفریقا، تأمین منابع طبیعی مورد نیاز و ایجاد بازار برای کالاهای چینی است (Fereydoni, 2023) چین به‌منظور تأمین نیازهای انرژی برای صنایع خود در حال سرمایه‌گذاری در بخش انرژی آفریقا است. سرمایه‌گذاری‌های چین در بخش انرژی و زیرساخت‌ها در آفریقا، شامل پروژه‌های مختلفی مانند ساخت جاده‌ها، راه آهن، بنادر، فرودگاه‌ها و نیروگاه‌های برق می‌شود. (Plusmamedia, 2023). چین به منظور تسهیل تجارت و توسعه اقتصادی در آفریقا در زمینه حمل و نقل نیز سرمایه‌گذاری‌های زیادی انجام داده است.

چین به بزرگ‌ترین شریک تجاری آفریقا تبدیل شده است. در سال ۲۰۲۳، حجم تجارت دو طرف به ۲۸۲ میلیارد دلار رسید که ۶۰ درصد صادرات آفریقا به چین را مواد خام مانند نفت، معادن و فلزات تشکیل می‌دهد، در حالی که واردات آفریقا عمدتاً کالاهای صنعتی و الکترونیکی چینی است (World Economic Forum, 2024).

ج- نقش قدرت نرم چین

گسترش نفوذ فرهنگی چین در آفریقا پدیده‌ای است که به‌طور گسترده در دهه‌های اخیر به‌ویژه با گسترش نفوذ اقتصادی چین در آفریقا تقویت شده است. چین در سال‌های اخیر تلاش زیادی برای افزایش نفوذ فرهنگی خود در قاره آفریقا انجام داده است. این

کشور از قدرت نرم به عنوان ابزاری برای تعمیق روابط و گسترش مقبولیت مدل سیاسی - اقتصادی خود در میان کشورهای آفریقایی استفاده می کند (Repnikova, 2021). گسترش نفوذ فرهنگی چین در آفریقا به معنای انتقال ارزش ها، باورها، آداب و رسوم، زبان، هنر، موسیقی، تکنولوژی و دیگر عناصر فرهنگی چین به کشورهای آفریقایی است. این پدیده از دهه های گذشته به ویژه با افزایش همکاری های اقتصادی و سیاسی بین چین و کشورهای آفریقایی افزایش یافته است (Independentpersian, 2023). چین با سرمایه گذاری در بخش آموزش کشورهای آفریقایی و تأسیس مؤسسات کنفوسیوس، به ترویج زبان و فرهنگ چینی می پردازد (Narimani et al., 2018:172). چین در این دوره از ابزارهای فرهنگی و رسانه ای برای تقویت نفوذ خود در آفریقا استفاده کرد، شرکت های چینی مانند هواوی برنامه های آموزشی در حوزه فناوری ارتباطات راه اندازی کردند. همچنین آموزش زبان ماندارین در مدارس آفریقایی تقویت شد. پروژه هایی مثل نصب دیش های ماهواره ای استارتاپیمز در روستاهای دورافتاده، دسترسی به محتوای چینی را افزایش داد و تصویر مثبتی از چین به عنوان یک همکار توسعه گرا ایجاد کرد (Fereydouni, 2023).

داد و ستدهای آموزشی و فرهنگی، بخشی از کوشش چین برای تقویت نفوذ خود در آفریقا است. چینی ها برای ترویج فرهنگ خود در آفریقا، اقدام به فراهم کردن تدریس زبان چینی در برخی از دانشگاه ها کرده اند (Alvand & Asgarkhani, 2018: 137). همچنین چین سالانه هزاران بورس تحصیلی به دانشجویان آفریقایی اعطا می کند تا در دانشگاه های چین تحصیل کنند. برگزاری رویدادهای فرهنگی، نمایشگاه ها و جشنواره های هنری برای معرفی فرهنگ چینی انجام می پذیرد. چین با سرمایه گذاری در رسانه های آفریقایی و گسترش شبکه های خبری چینی در آفریقا، روایت خود را از رویدادها ارائه می دهد. همچنین چین تلاش می کند مدل سیاسی - اقتصادی خود را به عنوان الگویی موفق برای کشورهای آفریقایی معرفی کند (Fereydoni, 2023). عواملی همچون سرمایه گذاری در بخش های آموزش، گسترش مراودات فرهنگی، استفاده از قدرت نرم، سرمایه گذاری های

اقتصادی گسترده و عدم سابقه استعماری باعث شده است که چین بتواند نفوذ فرهنگی خود در آفریقا را به طور قابل توجهی افزایش دهد.

به طور کلی گسترش نفوذ فرهنگی چین در کشورهای آفریقایی باعث تبادل فرهنگی، توسعه اقتصادی و افزایش همکاری های میان دو منطقه خواهد بود و می تواند به توسعه روابط دو جانبه بین چین و کشورهای آفریقایی کمک شایانی کند.

د- رقابت با قدرت های غربی

چین با ارائه مدل جایگزین برای همکاری های اقتصادی، جایگزین کشورهای استعماری سابق مانند فرانسه و بریتانیا شد، چین با سرمایه گذاری در بخش های حیاتی مانند انرژی و معادن، نیاز آفریقا به کمک های غربی را کاهش داد. برای مثال در جمهوری کنگو، پروژه های استخراج معادن با مشارکت چین آغاز شد. شی جینپینگ، رئیس جمهور چین، بر همکاری های برد-برد تأکید داشت، اما منتقدان معتقدند این همکاری ها بیشتر به نفع چین بوده است (Barati & Shirkhani, 2013).

رقابت برای نفوذ در قاره آفریقا یک واقعیت ژئوپولیتیک انکارناپذیر است. (Gavin, 2021). چین به عنوان یکی از قدرت های جهانی در سال های اخیر سیاست خود را بر مبنای توسعه همکاری های اقتصادی و سیاسی با کشورهای آفریقایی گذاشته است و به دنبال استراتژی های بلندمدت خود در این کشورها جهت دستیابی به منابع طبیعی و بازارهای کشورهای آفریقایی است. از سوی دیگر، قدرت های غربی و به ویژه آمریکا تلاش کرده اند تا رویکردها و نگرش های چین در آفریقا را به چالش بکشند و موانعی برای گسترش تعاملات اقتصادی و سیاسی چین در این قاره ایجاد کنند. این منافع و رقابت بین چین و قدرت های غربی به وجود یک محیط رقابتی در آفریقا منجر شده است که نه تنها بر توسعه و تعاملات اقتصادی و سیاسی این مناطق تأثیر می گذارد، بلکه در تعادل قدرت در سطح جهانی نیز تأثیر دارد. چین با سرمایه گذاری های گسترده اقتصادی و زیرساختی، توانسته نفوذ قابل توجهی در آفریقا کسب کند. پکن از طریق پروژه های توسعه ای، آموزش زبان چینی و گسترش مدل سیاسی - اقتصادی خود در حال افزایش قدرت نرم در قاره

آفریقا است (Nasiri, 2023). در مقابل آمریکا و قدرت‌های غربی نگران افزایش نفوذ چین هستند. آن‌ها چین را به بهره‌برداری از منابع آفریقا متهم می‌کنند، در حالی که چین تلاش دارد روایت خود را از بهره‌برداری به فرصت‌سازی تغییر دهد (Mehrnews, 2024).

چین در قاره آفریقا به درستی توانسته از قدرت هوشمند بهره گیرد، نه صرفاً از قدرت نرم و نه سخت بلکه تلفیقی از هر دو را به کار می‌بندد تا بتواند منافع دو جانبه‌ای را ایجاد و مشارکت را به سوی توسعه بیشتر سوق دهد. چین که روند توسعه را به خوبی پشت سر می‌گذارد و مدل توسعه‌ای جدیدی را به جهان عرضه کرده است می‌تواند تجربیات مؤثر خود را با آفریقا در میان گذارد و درواقع فرصتی برای آفریقا باشد (Sazmand & Dorostkar, 2022: 188-189). چین در رقابت با قدرت‌های غربی در آفریقا، با ایجاد هارمونی و بهره‌گیری متوازن از منابع و ابزارهای قدرت هوشمند و بدون ایجاد محدودیت توانسته است جایگاه خود را در افکار جوامع و دول آفریقایی افزایش دهد و این امر نشان از افزایش قدرت هوشمند چین به تناسب بهره‌گیری هوشمندانه و متناسب و هم‌زمانی استفاده از قدرت سخت و نرم دارد (Ghorbani & Hadad, 2020: 574-575) در طول چند دهه پس از جنگ سرد، نفوذ چین در آفریقا به‌طور قابل توجهی افزایش یافته است، در حالی که نفوذ ایالات متحده آمریکا کاهش یافته است. چین به‌عنوان یک بازیگر بزرگ اقتصادی توانسته است در قاره آفریقا از کشورهای غربی و به‌ویژه آمریکا پیشی بگیرد. (Sheehy, 2022).

تجزیه و تحلیل

با شرح پیشینه تاریخی روابط چین و آفریقا در دوران قرون وسطی، قرن نوزدهم و دوران استعمار، دوران جنگ سرد و استعمارزدایی و دوران پساجنگ و جهانی‌سازی تحولات روابط چین و آفریقا بیان شد که این تحولات نشان می‌دهد روابط چین و آفریقا از هم‌بستگی ایدئولوژیک به یک مشارکت استراتژیک چندوجهی تبدیل شده است، اما توازن بین منافع متقابل و چالش‌های پایدار همچنان نیازمند مدیریت دقیق است.

قرن بیست و یکم؛ رنسانس آفریقایی و ابتکار کمربند و جاده

قرن بیست و یکم شاهد ظهور رنسانس آفریقایی است که با رشد اقتصادی، توسعه زیرساخت‌ها و تقویت همکاری‌های منطقه‌ای همراه شده است. این رنسانس با پروژه‌هایی عظیم زیرساختی مانند راه آهن‌ها، بنادر و شبکه‌های ارتباطی تقویت می‌شود. چین به عنوان یکی از شرکای کلیدی آفریقا، نقش محوری در این تحولات ایفا کرده است. برای مثال، پروژه‌های راه آهن استاندارد کنیا و خط آدیس آبابا - جیبوتی، دسترسی به بازارهای منطقه‌ای و جهانی را بهبود بخشیده اند (Zajontz et al., 2023). این پروژه‌ها نه تنها اتصال پذیری قاره‌ای را افزایش می‌دهند، بلکه به عنوان بخشی از منطقه تجارت آزاد قاره آفریقا عمل می‌کنند که هدف آن ایجاد بازار یکپارچه با ۱,۳ میلیارد مصرف‌کننده است (CRIONline, 2022).

ابتکار کمربند و جاده که در سال ۲۰۱۳ توسط شی جینپینگ معرفی شد، به عنوان ابزار اصلی چین برای شکل‌دهی به نظم نوین اقتصادی جهانی مطرح شده است. این ابتکار با هدف ایجاد کریدورهای تجاری و زیرساختی میان آسیا، اروپا و آفریقا، براساس مدل جاده ابریشم جدید طراحی شده است (Jamshidi & Khatami, 2020). نظریه پردازان چینی معتقدند ابتکار کمربند و جاده^۱، نه تنها توسعه اقتصادی کشورهای مشارکت‌کننده را تسریع می‌کند، بلکه موقعیت چین را به عنوان هژمون اقتصادی آینده تثبیت می‌کند. با این حال دستیابی به هژمونی کامل نیازمند غلبه بر چالش‌هایی مانند رقابت با ایالات متحده و اتحادیه اروپاست.

چین به عنوان یکی از قدرت‌های جهانی در حال رشد، به سرعت به عنوان یک همکار تجاری و سیاسی برای کشورهای آفریقایی تبدیل شد. چین برای گسترش تجارت و نفوذ سیاسی خود، سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در زیرساخت‌ها و منابع طبیعی آفریقا انجام داد. در طول تاریخ چینی‌ها به دنبال گسترش تجارت و تبادل فرهنگی با آفریقایی‌ها بوده‌اند. در دهه‌های اخیر، روابط اقتصادی و سیاسی چین و آفریقا به شدت گسترش یافت است. چین به عنوان به یکی از بزرگ‌ترین بازارهای جهانی، به دنبال منابع طبیعی، بازار

مصرفی و همکاری‌های سیاسی با کشورهای آفریقایی است. چین سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در زیرساخت‌ها، معادن و صنایع آفریقایی داشته و این روابط در حالی که فرصت‌ها و چالش‌هایی را فراهم کرده است، ارتباطات جدیدی بین چین و قاره آفریقا ایجاد کرده است. چین به دلایل متعددی خواهان گسترش روابط با آفریقا بوده است. این دلایل گاه ریشه کاملاً ایدئولوژیک داشته و گاهی هم مقاصد اقتصادی و ژئواستراتژیک به خود گرفته است (Bakhshi, 2014: 100).

اگرچه پروژه‌های کمر بند و جاده و همگرایی منطقه‌ای در آفریقا را تقویت کرده‌اند، اما موانعی مانند ناهماهنگی در استانداردهای ریلی و رقابت بین شرکای خارجی مانند اتحادیه اروپا و ایالات متحده همچنان پابرجاست. برای مثال در غرب آفریقا، شبکه‌های ریلی پراکنده و عدم یکپارچگی فنی، ادغام منطقه‌ای را دشوار کرده است (Zajontz et al., 2023). آفریقا در دوران پساکرونا نیازمند سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های دیجیتال و سبز است. چین در حال گسترش کمر بند و جاده به حوزه‌هایی مانند جاده ابریشم دیجیتال و جاده ابریشم سبز است که با اولویت‌های آفریقا برای کاهش آلاینده‌گی و تقویت فناوری همسوست (CRIONline, 2022). با این حال، موفقیت بلندمدت این همکاری‌ها منوط به شفافیت مالی، انتقال فناوری و احترام به حاکمیت ملی کشورهای آفریقایی است. آفریقا در راستای پروژه کمر بند و جاده، شاهد سرمایه‌گذاری‌های گسترده چین در بخش‌های زیرساختی، انرژی و ارتباطات است. با این حال، انتقادهایی نیز وجود دارد از جمله وابستگی مالی کشورهای آفریقایی به وام‌های چینی و نگرانی‌ها درباره تله بدهی.

الف- تجارت دو جانبه و ابتکار کمر بند و جاده

تجارت دو جانبه میان چین و کشورهای آفریقایی، به‌عنوان یکی از جنبه‌های مهم همکاری اقتصادی بین دو طرف، شامل تبادل کالاها، خدمات، سرمایه و فناوری است. چین در سال ۲۰۲۰، با ثبت تجارت دو جانبه با آفریقا به ارزش ۱۸۷ میلیارد دلار، برای دوازدهمین سال متوالی بزرگ‌ترین شریک تجاری آفریقا شد (Irna:1400). در سال ۲۰۲۱ تجارت دوجانبه میان چین و کشورهای آفریقایی با ۳۵ درصد افزایش نسبت به سال قبل

به ۲۵۴ میلیارد دلار رسید (Ifnaa, 1401). همچنین حجم تجارت دو جانبه میان دو کشور در سال ۲۰۲۲ از ۲۸۲ میلیارد دلار فراتر رفت (Behroozi, 2023).



نقشه ۱. مسیر طرح ابتکاری کمربند - جاده چین (Source: Tin.ir, 2022)

ابتکار کمربند- جاده، یک پروژه اقتصادی است که توسط چین معرفی شده است، این پروژه در زمره پروژه‌هایی است که به منظور افزایش اتصالات و همکاری‌های اقتصادی بین چین و دیگر کشورها مطرح شده است. هدف این پروژه افزایش تجارت، سرمایه‌گذاری، انتقال فناوری و ارتقای همکاری اقتصادی بین چین و سایر کشورها به ویژه کشورهای آفریقایی است. این طرح شامل ایجاد یک شبکه اتصالات زمینی، دریایی، زیرساخت‌های حمل و نقل مدرن و پیشرفته و ایجاد مسیرهای جدید تجاری و اقتصادی می‌شود. ابتکار کمربند و جاده نقش مهمی در گسترش روابط چین و آفریقا ایفا کرده است، این طرح باعث افزایش سرمایه‌گذاری چین در زیرساخت‌های آفریقا شده است. این ابتکار به تسهیل تجارت و ارتباطات بین چین و کشورهای آفریقایی کمک کرده است. بخشی از سرمایه‌گذاری‌های مستقیم چین در آفریقا مرتبط با این ابتکار است. این روند نشان‌دهنده تعمیق روابط اقتصادی چین و آفریقا و افزایش نفوذ چین در این قاره است.

با اجرای کامل این پروژه، امکانات تجاری و اقتصادی بین چین و کشورهای آفریقایی گسترش می‌یابد و همکاری‌های جدیدی در حوزه‌های مختلف اقتصادی میان دو طرف ایجاد خواهد شد. این پروژه می‌تواند اثرات مثبت اقتصادی برای چین و کشورهای آفریقایی داشته باشد، البته نیاز به مدیریت مناسب، شفافیت و رعایت استانداردهای بین‌المللی برای حفظ منافع و حقوق انسانی در طول اجرای آن مهم است. سرمایه‌گذاری‌های چین در آفریقا باعث ایجاد اشتغال، افزایش توسعه اقتصادی، تحقق زندگی شهری بهتر و بهبود زیرساخت‌های اجتماعی در آفریقا شده است. همچنین این سرمایه‌گذاری‌ها باعث افزایش قدرت نرم چین در آفریقا شده و روابط اقتصادی و سیاسی دو طرف را عمیق‌تر کرده است. البته افزایش سرمایه‌گذاری‌های چین در آفریقا انتقادهای نگرانی‌هایی را درباره تأثیر آن بر رشد پایدار، محیط زیست، حقوق بشر و افزایش بدهی‌های بین‌المللی کشورهای آفریقایی ایجاد کرده است.

ب- چالش‌ها و انتقادات به سرمایه‌گذاری‌های چین در آفریقا؛ مربوط به تله بدهی

تله بدهی در روابط بین چین و کشورهای آفریقایی، به معنای ورود کشورهای آفریقایی به بدهی نقدینگی ناشی از قراردادهای وام‌های اعطاشده توسط چین است که این موضوع همواره چالش‌ها و انتقاداتی را به همراه دارد. وابستگی بیش از حد یکی از این انتقادهای چالش‌هاست که ورود به تله بدهی ممکن است باعث وابستگی بیش از حد کشورهای آفریقایی به چین شود. این وابستگی می‌تواند به تضعیف استقلال اقتصادی و سیاسی این کشورها منجر شود. کشورهای آفریقایی با دریافت وام‌های کلان از چین برای پروژه‌های زیرساختی، به شدت به این کشور وابسته می‌شوند و این وابستگی می‌تواند به مشکلات مالی و اقتصادی در صورت ناتوانی در بازپرداخت وام‌ها منجر شود (Were, 2018:7). تله بدهی می‌تواند از طریق ایجاد وابستگی مالی، کنترل استراتژیک، تضعیف توانایی‌های داخلی و آسیب‌پذیری در برابر فشارهای سیاسی بر استقلال اقتصادی کشورهای آفریقایی تأثیر منفی بگذارد. کشورهای غربی و به‌ویژه کشور آمریکا، چین را متهم می‌کنند که از طریق تله بدهی، کشورهای آفریقایی را مجبور به پذیرش شرایط و منافع خود می‌کند. این

انتقادات بخشی از رقابت ژئوپولتیکی بین چین و غرب در قاره آفریقا است (Irna, 2022). به نظر می‌رسد وام‌های چینی به کشورهای آفریقایی عامل اصلی بروز مشکلات و بدهی‌های این قاره نیست و این وام‌ها تا حد زیادی پروژه‌های مهم زیرساختی را تأمین کرده است (Babrigonbad, 2021:97).

از یک سو این وام‌ها و بدهی‌ها می‌توانند به کشورهای آفریقایی کمک کنند تا زیرساخت‌های مورد نیاز برای توسعه اقتصادی خود را ایجاد کنند و از سوی دیگر این بدهی‌ها می‌توانند باعث وابستگی بیشتر این کشورها به چین شود و فشار بیشتری بر اقتصاد آن‌ها ایجاد کنند. این چالش‌ها و انتقادات نشان‌دهنده پیچیدگی‌ها و مخاطرات موجود در روابط اقتصادی و مالی بین چین و کشورهای آفریقایی است. راهکارهایی برای کاهش تأثیر تله بدهی در اقتصاد کشورهای آفریقایی وجود دارد که از آن جمله می‌توان به افزایش شفافیت در قراردادهای، تنوع بخشی به منابع سرمایه‌گذاری، تقویت ظرفیت‌های داخلی در جهت آموزش و توسعه مهارت نیروهای کار داخلی، تقویت سیستم‌های مدیریت مالی و تقویت همکاری‌های منطقه‌ای اشاره کرد. این راهکارها می‌توانند به کشورهای آفریقایی کمک کنند تا ضمن بهره‌مندی از سرمایه‌گذاری‌های خارجی، استقلال اقتصادی خود را حفظ و از افتادن در دام تله بدهی جلوگیری کنند.

برای مثال زامبیا با بدهی ۹٫۸ میلیارد دلاری به چین، در سال ۲۰۲۰ اولین کشور آفریقایی شد که بدهی خارجی خود را نکول کرد. این کشور به دلیل وام‌های سنگین برای پروژه‌های زیرساختی (مانند راه آهن و معادن) با بحران بازپرداخت مواجه شد. چین به عنوان بزرگ‌ترین طلبکار، نقش کلیدی در مذاکرات تجدید ساختار بدهی این کشور دارد، اما شفافیت پایین در شرایط وام‌ها باعث انتقادهای بین‌المللی شده است.

آنگولا با ۹۸٫۲۰ میلیارد دلار بدهی به چین، بزرگ‌ترین بدهکار آفریقایی به پکن است. این کشور برای توسعه زیرساخت‌ها و صنعت نفت، وام‌های عظیمی دریافت کرد که بازپرداخت آن‌ها به درآمدهای نفتی وابسته است. با کاهش قیمت نفت، آنگولا در

بازپرداخت وام‌ها دچار مشکل شد و به واگذاری سهام میادین نفتی به شرکت‌های چینی مجبور گردید (Jahanesanat, 2024).

جیبوتی ۷۷ درصد از کل بدهی خارجی خود (معادل ۸۰ درصد تولید ناخالص داخلی) را به چین بدهکار است. این کشور برای توسعه بنادر استراتژیک خود وام‌های کلانی دریافت کرد، اما ناتوانی در بازپرداخت، به اجاره ۹۹ ساله بندر دوراله به یک شرکت چینی و تأسیس اولین پایگاه نظامی چین در خارج از خاک این کشور در جیبوتی منجر شد (IIWFS, 2023).

در سال ۲۰۲۰، رئیس‌جمهور تانزانیا یک قرارداد ۱۰ میلیارد دلاری با چین برای ساخت بندر باگامویو را لغو کرد. او شرایط قرارداد را غیرمنطقی خواند، زیرا شرکت‌های چینی از پرداخت مالیات معاف بودند و کنترل کامل بندر را برای ۳۰ سال در اختیار می‌گرفتند. این نمونه نشان‌دهنده تلاش برخی کشورها برای مقاومت در برابر شروط یک‌طرفه وام‌های چینی است (Economic.mfa.gov, 2023).

کنیا با ۹,۲ میلیارد دلار بدهی به چین، برای پروژه‌هایی مانند راه آهن استاندارد گیو وام دریافت کرد. نرخ سود بالا (حدود ۵ تا ۶ درصد) و شروطی مانند استخدام شرکت‌های چینی برای اجرای پروژه‌ها، انتقادات زیادی را برانگیخته است. برخی از تحلیلگران هشدار می‌دهند که در صورت نکول، کنترل دارایی‌های استراتژیک کنیا به چین منتقل خواهد شد. اتیوپی با ۱۳,۷ میلیارد دلار بدهی به چین، برای پروژه‌های سدسازی و راه آهن وام گرفته است. این کشور در سال‌های اخیر به دلیل بحران‌های داخلی و کاهش درآمدهای ارزی، تحت فشار چین برای بازپرداخت وام‌ها قرار دارد. نگرانی‌ها درباره احتمال واگذاری منابع طبیعی یا زیرساخت‌ها به چین افزایش یافته است.

ج - ابعاد سیاسی و دیپلماتیک روابط چین و آفریقا

روابط سیاسی و دیپلماتیک چین با کشورهای آفریقایی در دهه‌های اخیر به‌طور چشمگیری گسترش پیدا کرده و ابعاد مختلفی یافته است. چین با اتخاذ سیاست خارجی فعال در قبال کشورهای آفریقایی به دنبال گسترش نفوذ خود در این قاره است. چین

همواره بر نظریه هم‌بستگی و همکاری جنوب - جنوب تأکید داشته و مقامات چینی با بیان این که هرگز به دنبال سلطه‌جویی، استعمار یا به بردگی کشیدن ملل دیگر نبوده‌اند، به سابقه حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش آفریقایی و منافع مشترک جهان در حال توسعه، برای ایجاد یک نظام اقتصادی عادلانه و برابر جهانی اشاره می‌کنند (Hoseini & Sanaie, 2018: 76). چین در فعالیت‌های خود در آفریقا، سیاست‌های توسعه‌ای و همکاری بیشتر با کشورهای این قاره را ترویج داده و از طریق کمک‌های مالی، تبادل فرهنگی و توسعه زیرساخت‌های اقتصادی، روابط خود را با کشورهای آفریقایی تقویت کرده است.

مهم‌ترین اهداف سیاسی چین در آفریقا عبارت‌اند از: تأمین انرژی و یافتن بازارهای جدید برای کالاهای چینی، کسب حمایت سیاسی کشورهای آفریقایی در مجامع بین‌المللی، مقابله با نفوذ غرب در آفریقا و برای پیشبرد اهداف خود از ابزارهای دیپلماتیک، اعطای وام‌ها و کمک‌های اقتصادی گسترده، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های آفریقا، برگزاری نشست‌های منظم با رهبران آفریقایی و تبادلات فرهنگی و آموزشی بهره می‌برند. در مجموع، روابط چین و آفریقا در حال تبدیل شدن به یکی از مهم‌ترین مناسبات ژئوپولیتیک جهانی است و عصر جدیدی از تعاملات استراتژیک در روابط دو طرف را رقم می‌زند.

د- نقش چین در حل مناقشات منطقه‌ای آفریقا

چین به‌عنوان یکی از قدرت‌های جهان در سیاست خارجی خود تلاش کرده است تا نقش مؤثری در حل مناقشات منطقه‌ای آفریقا داشته باشد. این کشور به‌دلیل حضور فعال در این منطقه و نیاز به منابع طبیعی و مواد معدنی غنی که در آفریقا وجود دارد، توانسته است تا در برخی از مناقشات و بحران‌هایی منطقه‌ای به‌عنوان یک بازیگر کلیدی حضور پیدا کند. یکی از نمونه‌های این نقش، مشارکت چین در صلح‌آمیزی برخی از مناقشات و بحران‌های آفریقا است. چین با ترویج دیپلماسی صلح و همکاری میان کشورهای آفریقایی، تلاش کرده است تا به حل مناقشات و توسعه پایدار در این منطقه کمک کند. همچنین، چین در پشتیبانی از جلسات صلح و مذاکرات میان طرف‌های مخالف در برخی از مناطق آفریقا نقش فعالی داشته است. چین در سال‌های اخیر نقش فعال‌تری در حل مناقشات

منطقه‌ای آفریقا ایفا کرده است. چین با اتخاذ رویکرد عدم مداخله ایدئولوژیک، تلاش می‌کند به حل مناقشات و توسعه اقتصادی در آفریقا کمک کند (Khabaronline, 2023). پکن از طریق مشارکت در عملیات‌های حفظ صلح سازمان در آفریقا، به ثبات منطقه کمک می‌کند (Sorbon Academy, 2021). چین با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و پروژه‌های توسعه‌ای، به کاهش فقر و بی‌ثباتی که زمینه‌ساز مناقشات هستند کمک می‌کند (Mirtorabi & Sariaslani, 2020: 275). پکن از نفوذ دیپلماتیک و اقتصادی خود برای میانجی‌گری بین طرف‌های درگیر استفاده می‌کند.

با این حال، رویکرد چین در حل مناقشات آفریقا با انتقاداتی نیز مواجه است، ازجمله اینکه پکن منافع اقتصادی خود را بر حقوق بشر و دموکراسی اولویت می‌دهد. با وجود این، نقش چین در ثبات و توسعه آفریقا رو به افزایش است. روابط سیاسی چین و آفریقا با وجود گسترش چشمگیر در سال‌های اخیر، با چالش‌هایی مانند نگرانی از وابستگی اقتصادی برخی از کشورهای آفریقایی به چین، متهم شدن چین از سوی غرب به نادیده گرفتن مسائل حقوق بشر در آفریقا، رقابت با آمریکا و اروپا در قاره آفریقا، مشکلات ارتباطی و تفاوت فرهنگی چین با کشورهای آفریقایی، انتقاد به برخی از پروژه‌های چینی که به محیط زیست آسیب می‌زنند و نگرانی برخی از کشورهای آفریقایی از افزایش نفوذ سیاسی چین در امور داخلی‌شان مواجه است. این چالش‌ها نیازمند مدیریت دقیق روابط از سوی چین و کشورهای آفریقایی است تا منافع متقابل حفظ شود.

ه - همکاری‌های امنیتی و نظامی چین و آفریقا

همانطور که روابط چین با کشورهای آفریقایی در دهه‌های گذشته در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی رو به رشد بوده است، در زمینه همکاری‌های امنیتی و نظامی نیز روابط چین با آفریقا به‌طور قابل توجهی گسترش یافته است. این همکاری‌ها در زمینه‌های مختلف ازجمله تبادل اطلاعات امنیتی، آموزش نیروهای نظامی و امنیتی، ارتباطات نظامی و تولید و تأمین تجهیزات نظامی صورت می‌گیرد. چین به کشورهای آفریقایی در آموزش پرسنل نظامی و تقویت مکانیسم‌های امنیتی کمک می‌کند. این شامل

برگزاری مانورهای نظامی مشترک و ارائه آموزش‌های مرتبط با اجرای قوانین است (Movahed, 2022). همکاری‌های نظامی به منظور تقویت امنیت و ثبات منطقه، توسعه پایدار و رشد اقتصادی، تقویت روابط دو جانبه بین چین و کشورهای آفریقایی و تسهیل همکاری‌های دیگر در زمینه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی انجام می‌شوند. این همکاری‌ها بخشی از استراتژی گسترده‌تر چین برای افزایش نفوذ در آفریقا است. پکن امیدوار است با این اقدامات، جایگاه خود را به عنوان شریک اصلی کشورهای آفریقایی تقویت کند و نفوذ غرب به ویژه فرانسه را در این قاره کاهش دهد (Irna, 2023). تعامل امنیتی چین در آفریقا از طریق مشارکت در عملیات حفظ صلح سازمان ملل، صادرات سلاح‌های سبک و اشتراک فناوری با شرکای آفریقایی صورت می‌گیرد.

مشارکت چین در امنیت آفریقا به پیشبرد منافع حیاتی اقتصادی و سیاسی این کشور کمک می‌کند (Krukowska, 2024). چین دستگاه‌های نظامی و امنیتی خود را در آفریقا مستقر کرده، اما این کار را تا حد زیادی بدون برانگیختن واکنش‌های بین‌المللی انجام داده است. پکن بخش نظامی و امنیتی را در مشارکت اقتصادی خود با کشورهای آفریقایی ادغام کرده و حضور دفاعی چین در آفریقا را به بخشی از ساختار توسعه این قاره تبدیل کرده است (Tachum, 2021). تغییر در عقلانیت استراتژیک چین و حرکت به سمت رویکردی عمل‌گرایانه در سیاست خارجی (Arghavani & Pirsalami, 2016: 168) و همکاری با کشورهای آفریقایی در زمینه امنیت و استراتژی به چین این امکان را می‌دهد که نقش بیشتری در امور بین‌المللی پیدا کرده و نیروی نظامی و سیاسی خود را تقویت کند.

چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی روابط چین و آفریقا

تعاملات استراتژیک بین چین و کشورهای آفریقایی به دلیل منافع اقتصادی و سیاسی که برای دو طرف وجود دارد با چالش‌ها و فرصت‌های بسیاری روبه‌روست. چین با اعمال نفوذ گسترده در قاره آفریقا، در سال‌های جنگ سرد، حمایت کشورهای قاره آفریقا را در مجامع بین‌المللی با خود دارد. با تغییر تعاملات چین و آفریقا از هم‌بستگی‌های ایدئولوژیک

به تعاملات استراتژیک دیگر خبری از جهان سوم گرایی نیست. چین به عنوان یکی از بزرگ ترین شرکای تجاری کشورهای آفریقایی نقش مهمی در توسعه اقتصادی و زیرساخت ها در آفریقا دارد (Amirahmadian, 2023). تعاملات استراتژیک چین و آفریقا به عنوان یک روند رو به رشد به ویژه از دهه ۲۰۰۰ به بعد آغاز شده است. چالش و فرصت های این تعاملات به شرح ذیل است:

چالش ها:

- رقابت با سایر قدرت ها: حضور و نفوذ گسترده چین در آفریقا نگرانی هایی را در برخی کشورهای دیگر به ویژه کشورهایی که شرکای سنتی آفریقا بوده اند مطرح کرده است و قاره آفریقا به محلی برای رقابت قدرت های جهانی از جمله آمریکا، روسیه، اتحادیه اروپا و چین تبدیل شده است (Abolfazli, 2020).

- بحران های اقتصادی و افزایش بدهی کشورهای آفریقایی: تعاملات اقتصادی چین و آفریقا ممکن است به بحران های مالی کشورهای آفریقایی منجر شود. در این زمینه نگرانی هایی در مورد افزایش بدهی کشورهای آفریقایی به چین در قبال دریافت وام های اعطایی چین وجود دارد (Seyfi, 2022: 531). برخی از کشورها نگران ورود کشورهای آفریقایی در دام تله بدهی به واسطه احتمال ناتوانی این کشورها در بازپرداخت بدهی هستند که این تله بدهی موجب وابستگی کشورهای آفریقایی به چین خواهد شد.

- عدم شفافیت و نفوذ سیاسی: آمار دقیق و روشنی از میزان تجارت و کمک های مالی چین به کشورهای آفریقایی در دسترس نیست و همچنین ارتباط مستقیمی میان کمک های چین به کشورهای آفریقایی و رأی این کشورها در حمایت از چین در مجامع بین المللی وجود دارد (Majdoubi, 2023).

- مسائل زیست محیطی: پروژه های اجرایی چین در آفریقا می تواند به منابع طبیعی آسیب بزند و اثرات منفی زیست محیطی برای کشورهای آفریقایی به همراه داشته باشد.

گسترش فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی چین در آفریقا می‌تواند به افزایش آلودگی‌های زیست‌محیطی منجر شود.

- **مسائل حقوق بشری:** برخی از پروژه‌های سرمایه‌گذاری چین در آفریقا با انتقاداتی در زمینه مسائل حقوق بشری روبه‌روست.

فرصت‌ها:

- **توسعه اقتصادی:** همکاری با چین می‌تواند به توسعه اقتصادی کشورهای آفریقایی کمک کند و باعث افزایش تجارت و سرمایه‌گذاری شود. سرمایه‌گذاری چین در زیرساخت‌های کشورهای آفریقایی می‌تواند باعث بهبود زیرساخت‌ها و همچنین محرک رشد اقتصادی شود (Hoseiniipoor, 2018).

- **تبادلات فرهنگی:** تعاملات فرهنگی و آموزشی میان چین و آفریقا می‌تواند به تبادل فرهنگی و تقویت روابط چین با کشورهای آفریقایی منجر شود.

- **انتقال فناوری:** همکاری در زمینه‌هایی نظیر انرژی تجدیدپذیر، زیرساخت‌های حمل و نقل و پروژه‌های سرمایه‌گذاری چین به انتقال فناوری به آفریقا کمک می‌کند که این موضوع می‌تواند به توسعه پایدار و پویای آفریقا منجر شود.

- **امکانات بالقوه اشتغال آفرینی:** همکاری در زمینه‌های مختلف اقتصادی می‌تواند فرصت‌های اشتغال آفرینی در آفریقا را افزایش دهد.

به طور کلی، تعاملات استراتژیک بین چین و آفریقا چالش‌ها و فرصت‌های زیادی به همراه دارد که در صورت مدیریت مناسب، می‌تواند به توسعه پایدار و پویای هر دو منطقه کمک کند.

ارزیابی آینده روابط چین و آفریقا

آینده تعاملات استراتژیک چین و کشورهای آفریقایی با توجه به روندهای کنونی، به نظر می‌رسد که به سوی تعمیق و گسترش بیشتر پیش می‌رود. چین به سرمایه‌گذاری در

پروژه‌های زیرساختی و توسعه‌ای در آفریقا ادامه می‌دهد که به نفع هر دو طرف است (Torabi & Taheri, 2011: 84). همکاری اقتصادی چین و آفریقا یک پلت‌فرم رسمی برای ایجاد یک راه حل سود دوباره برای مشکلات توسعه‌ای متنوعی است که چین و آفریقا با آن مواجه هستند. از نظر مزیتی، آفریقا از این پلت‌فرم با توجه به پتانسیل‌های بالای منابع خود به عنوان اهرمی برای جذب سرمایه‌گذاری‌های فنی و مالی بسیار کارآمد از چین، برای حمایت از توسعه زیرساختی و بهبود استاندارد زندگی (کاهش فقر) استفاده می‌کند (Koomson, 2018). توسعه اقتصادی در کشورهای آفریقایی و چین تأثیر زیادی بر روابط دو جانبه آن‌ها دارد. اگر توسعه اقتصادی هر کدام از این مناطق بهبود یابد روابط اقتصادی میان آن‌ها نیز بهتر خواهد بود. همکاری در زمینه‌های توسعه زیرساخت‌ها، آموزش و فناوری می‌تواند به تقویت روابط میان این دو منطقه کمک کند.

همکاری‌های نظامی و امنیتی میان چین و آفریقا نقش مهمی در تأمین امنیت منطقه ایفا می‌کند (Movahed, 2022) و به تعمیق هرچه بیشتر تعاملات استراتژیک دو منطقه منجر می‌شود. کشورهای آفریقایی نیاز دارند که بتوانند استقلال خود را حفظ کنند و در تعاملات با چین قدرت مذاکره خوبی داشته باشند. بنابراین چین باید با احترام به حقوق بشر و استقلال آن‌ها پایداری کشورهای آفریقایی را رعایت کند. مواجه شدن با چالش‌هایی نظیر تغییرات اقلیمی، تخریب محیط زیست، نابرابری درآمد، تورم و تنش‌های سیاسی می‌توانند بر روابط چین و آفریقا اثرات منفی بگذارند که باید برنامه‌ها و راهکارهای مشترکی برای مواجهه با این چالش‌ها تعیین شود. با توجه به این عوامل، می‌توان نتیجه گرفت که آینده روابط چین و آفریقا علی‌رغم آنکه با توجه به روندهای کنونی به سمت تعمیق بیشتر پیش می‌رود، اما به حداکثر سود بردن از فرصت‌ها و مواجهه با چالش‌ها و رعایت حقوق بشر و استقلال کشورها بستگی دارد. برنامه‌ریزی مستقیم و مدون برای تقویت و توسعه همکاری‌ها بین این دو منطقه می‌تواند روند مثبتی را برای آینده روابط چین و آفریقا به همراه داشته باشد. برای مقابله با چالش‌های روابط بین چین و آفریقا، از تدابیری می‌توان بهره برد که از آن جمله: توسعه همکاری متوازن، حفظ استقلال کشورهای آفریقایی،

رویارویی با چالش‌های اقتصادی، حفظ محیط زیست و توسعه پایدار و تسهیل همکاری در حوزه‌های اقتصادی، فناوری، آموزش و سرمایه‌گذاری است. با اتخاذ این تدابیر و راهکارها می‌توان چالش‌ها را حل کرد و به توسعه همکاری‌های مثبت و پایدار در آینده بین این دو منطقه کمک کرد.

آینده‌پژوهی درباره تعاملات استراتژیک چین و آفریقا می‌تواند به موارد زیر توجه کند:
- بررسی تأثیر نقش چین به عنوان یک قدرت بزرگ اقتصادی و سیاسی در آفریقا و تحلیل این موضوع که چگونه چین با تکیه بر منافع ملی خود با کشورهای آفریقایی رابطه برقرار می‌کند؛

- مطالعه الگوهای سرمایه‌گذاری، تجارت، همکاری‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی چین در آفریقا و تأثیر آن بر جوامع و اقتصادهای محلی؛
- بررسی نقش ایدئولوژی، ارزش‌ها و فرهنگ چین و آفریقا در تعاملات دوجانبه و ارتباطات فرهنگی میان این دو منطقه؛

- تحلیل اثرات تعاملات چین و آفریقا بر روند توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در آفریقا به‌ویژه در زمینه‌های زیرساخت‌های اقتصادی، تجارت، تحقیق و توسعه، آموزش و بهداشت و درمان؛

- بررسی نقش سازمان‌های بین‌المللی، نهادهای منطقه‌ای و ملی، انجمن‌ها و اتحادیه‌های آفریقایی در ایجاد نظام راهبردی برای همکاری و تعامل با چین.
انجام این پژوهش‌ها در تعاملات استراتژیک چین و آفریقا می‌تواند به توسعه فهم ما از این تعاملات و چالش‌ها و فرصت‌های آینده کمک کند.

نتیجه‌گیری

نظریه نئورئالیسم بر این اصل استوار است که قدرت‌های بزرگ همواره به دنبال افزایش قدرت نسبی خود هستند، اما این امر می‌تواند منافع متقابلی نیز ایجاد کند. در چارچوب این نظریه، می‌توان استدلال کرد که چین به دنبال انباشت قدرت در آفریقا از طریق

گسترش نفوذ اقتصادی و سیاسی است. این امر با اعطای وام‌های سخاوتمندانه و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های کشورهای آفریقایی صورت می‌گیرد. هم‌زمان این استراتژی چین به تقویت روند توسعه در برخی از کشورهای آفریقایی منجر شده است. چین با سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیربنایی مانند راه آهن، بنادر و فرودگاه‌ها به توسعه اقتصادی این کشورها کمک می‌کند. چین به دنبال افزایش قدرت خود است، اما این امر لزوماً به ضرر کشورهای آفریقایی نیست و می‌تواند منافع متقابلی ایجاد کند. از چین به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاران در قاره آفریقا، مسئولیت اجتماعی بیشتری انتظار می‌رود و چین باید نسبت به تأثیرات سرمایه‌گذاری‌های خود بر محیط زیست، جوامع محلی و مسائل حقوق بشری توجه داشته باشد. با افزایش حضور چین در آفریقا، با توجه ویژه به مسائلی همچون رعایت استانداردهای حقوق بشر، حفاظت از محیط زیست و تأمین منافع جوامع محلی صورت گیرد که این‌ها می‌تواند بخشی از مسئولیت اجتماعی چین در آفریقا باشد. به‌طور کلی چین برای موفقیت دائمی و پایدار در روابط خود با آفریقا، نیازمند ارتقا و توسعه مسئولیت‌های اجتماعی خود است تا از زیان‌های احتمالی جلوگیری کند. چین باید در بخشی از برنامه‌ها و پروژه‌های اجرایی خود در آفریقا با توجه به مسائل حقوق بشری و زیست‌محیطی اصلاحاتی انجام دهد. با اعمال اصلاحات مؤثر چین می‌تواند تأثیر مثبت و سازنده‌تری در توسعه آفریقا داشته باشد. اصلاحات باید بخشی اساسی از پروژه‌های اجرایی چین در آفریقا باشند تا اطمینان حاصل شود که سرمایه‌گذاری‌هایی که انجام می‌شود در جهت بهبود شرایط معیشتی و اجتماعی جوامع محلی و حفظ محیط زیست و توسعه پایدار است. عصر جدید تعاملات استراتژیک بین چین و آفریقا دارای ساختار چند بعدی است. چین به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین تولیدکننده‌ها و مصرف‌کننده‌های جهان، توانسته است نقش مهمی در توسعه اقتصادی و اجتماعی آفریقا داشته باشد. این تعاملات نه تنها در حوزه‌های اقتصادی بلکه در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی و امنیتی نیز اتفاق افتاده است. در ساختار تعاملات اقتصادی، چین به‌عنوان یک منبع سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های کشورهای آفریقایی عمل کرده و

پروژه‌های عظیمی را در این قاره اجرا کرده است. در ساختار تعاملات سیاسی، چین و کشورهای آفریقایی توانسته‌اند به توافقات سیاسی و دیپلماتیک دست یابند و همکاری‌های برجسته‌ای را ایجاد کنند. این همکاری‌ها نه تنها به تقویت اقتصاد طرفین، بلکه به برقراری صلح و امنیت در منطقه نیز کمک کرده است. در ساختار تعاملات فرهنگی، چین و آفریقا تبادلات فرهنگی و آموزشی با یکدیگر را دنبال کرده که این همکاری‌ها برای تقویت روابط فرهنگی بین دو طرف مفید است. به این ترتیب می‌توان گفت که عصر جدید تعاملات استراتژیک بین چین و قاره آفریقا دارای یک ساختار چند بعدی است که در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی صورت می‌گیرد و علاوه بر انباشت قدرت توسط چین به توسعه کشورهای آفریقایی نیز کمک می‌کند.

قدردانی

نگارندگان مراتب قدردانی خود را از معاونت محترم پژوهشی دانشگاه تربیت مدرس و سردبیر نشریه تخصصی روابط آفریقا - آسیا، به واسطه حمایت‌های معنوی صورت گرفته در راستای انتشار مقاله اظهار می‌کنیم.

تعارض منافع

این مقاله با هیچ اثر یا کار پژوهشی و مطالعاتی دیگری تضاد و تعارض منافع ندارد.

References

- Abolfazli, Seyed Arif, (2019), "China's Interactions with the African Continent in the Light of the One Belt, One Road Initiative", *International Journal of Nations Research*, No. 53, pp. 75-92.[In Persian]
- Alvand, Marzieh sadat, Asgarkhani, Abu Mohammad, (2018), "China's Soft Power in Africa; An Analysis Beyond the Nay Conceptualization",

- Quarterly Journal of International Political Research*, No. 34, pp. 119-150.[In Persian]
- Aminnejad, Mohamad, Khosravi Malektaj (2012), "A Review of China's Foreign Policy in Africa (with Emphasis on Developing Economic Relations)" *Political Rahavard Magazine*, No. 33.[In Persian]
 - Amir Ahmadian, Bahram, (2023), "China's Belt and Road Initiative: Hegemony or Interaction?", *Iranian Diplomacy*, Code: 2021027, irdiplomacy.ir.(Accessed on:01/05/2020)[In Persian]
 - Arghavani Pirsalami, Fariborz, (2016), "China's Strategic Rationality and Defense-Security Relations with Iran", *Quarterly Journal of International Relations Research*, Volume 1, Issue 21, pp. 159-194.[In Persian]
 - Asgarkhani, Abu Mohammad, Mukaramipour, Mohammad Bagher, Mohammadi, Subhan, (2019), "Feasibility Assessment of China-Iran Cooperation in Central Asia Based on Neorealist Opinions", *Quarterly Journal of Political Strategy*, Year 3, Issue 8, pp. 161-187.[In Persian]
 - Babri Gonbad, Sakineh, (2021), "Analysis of China's Evil Traps from Myth to Reality, a Case Study of Africa", *Second International Conference on China Studies, Iranian Association for World Studies*, pp. 505-1.[In Persian]
 - Bakhshi, Ahmad (2009), "A Study of the Evolution of China - Africa Foreign Relations" *Africa Research Journal*, Vol. 1, No. 3.[In Persian]
 - Barati, Reza, Shirkhani, Mohammad Ali, (2013), "Pragmatic Foreign Policy and Economic Development (Case Study: China from 1978-2010)", *Strategic Quarterly of Public Policy*, Volume 4, Issue 12, pp. 133-164.[In Persian]
 - Behrouzi, Shaghayegh, (2023), "China-Africa Relations on the Rails of Development", Islamic Republic of Iran News Agency (IRNA), News Code: 85164154, irna.ir.(Accessed on:21/03/2024)[In Persian]

- CRIONline (2022), "The Belt and Road Initiative in the Global Landscape", <https://persian.cri.cn>.(Accessed on:15/01/2023)[In Persian]
- Economic.mfa.gov (2024), "Tanzania- China Economic Relations", economic.mfa.gov.ir.(Accessed on:12/02/2025)[In Persian]
- Erfanian, Mohammad Reza, (2019), "Africa under China's economic umbrella", Islamic Republic of Iran News Agency (IRNA), news code: 83586244, irna.ir.(Accessed on:01/12/2019)[In Persian]
- Fereydouni, Saman, (2023), "China's Influence and Soft Power in Africa", Economic Diplomacy Think Tank, eco-dip.ir.(Accessed on:12/05/2024)[In Persian]
- Gavin, Michelle, (2021), "Major Power Rivalry in Africa", Concil on Foreign Relations, ISBN: 978-0-87-609387-0.(Accessed on:12/03/2022)
- Ghorbani Sheikhneshin, Arslan, Haddad Zand, Shirin, (2020), "Comparative Comparison of China's and the United States' Smart Power in Africa", *Quarterly Journal of Foreign Relations*, Year 12, No. 4, pp. 580-551.(doi:20.1001.1.20085419.12.4.1.9)[In Persian]
- Hosseini, Mohammad Javad, Sanai, Ardeshtir, (2018), "Components of China's Soft Power in Africa", *Quarterly Journal of Political and International Approaches*, Volume 10, Issue 2, pp. 66-97.[In Persian]
- Hosseinipour, Mohammad, (2018), "Challenges of China's Presence in East Africa", Iranian Broadcasting Corporation, News Code: 2221051, iribnews.ir.(Accessed on:25/03/2020)[In Persian]
- IIWFS (2023), "China's Tussle With Djibouti", iiwfs.com.(Accessed on:12/03/2024)[In Persian]
- Independent Persian, (2022), "China; Determined to Expand Influence in Africa", independentpersian.com.(Accessed on:12/03/2022)[In Persian]
- Iranian diplomacy (2009), "America, China and Africa Oil", irdiplomacy.ir, code:6236.(Accessed on:05/12/2009)[In Persian]

- Islamic Republic of Iran News Agency, (2023), “Why is cooperation between Africa and China increasing?”, News Code: 85218988, irna.ir.(Accessed on:12/06/2024)[In Persian]
- Islamic Republic of Iran News Agency , (2022), “Debt Trap, Western Conspiracy Against China-Africa Relations”, News Code: 84998067, irna.ir.(Accessed on:07/03/2023)[In Persian]
- Islamic Republic of Iran News Agency, (2021), “China; became Africa’s largest trading partner for the twelfth consecutive year”, news code: 84486208, irna.ir.(Accessed on:11/02/2022)[In Persian]
- Jahanesanat (2024), “Poor Countries are the main debtors to China”, No. 448595, Jahanesanat.ir.(Accessed on:12/02/2025)[In Persian]
- Jamshidi, Mohamad, Khatami, Hesam (2020), ”The Role of the “One Belt, One Road”Initiative in China’s New Economic Order”, *Political Quarterly*, Vol.50, No. 1, pp.1-20.(10.22059/J PQ.2020.252019.1007223)[In Persian]
- Khabaronline, (2023), “China beats America at its own game? Now look what it is doing in Africa”, Iran Analytical News Agency (Khabaronline), Khabaronline.ir.(Accessed on:18/02/2024)[In Persian]
- Koomson, Isaac Abekah, (2018)”Africa-Chaina investment and growth link”, *Journal of Chinese Economic and Foreign Trade Studies*, vol.11, issue:2, pp.132-150.(Accessed on:20/03/2025)
- Krukowska, Monika Magdalena, (2024), ”China’s Security Relations with Africa in the 21st Century”, *Security and Defence Quarterly*, vol.46 (2).(https://doi.org/10.35467/sdq/190066)
- Lotfalahi, mohamadhosien (2022), “All about China-Africa Relations” Etemad Newspaper.No. 5412.(Accessed on:19/04/2023)[In Persian]

- Majdoubi, Hossein, (2023), "Africa is the main pillar of China's strategy", Iranian Diplomacy, Code: 2021384, irdiplomacy.ir.(Accessed on:02/07/2024)[In Persian]
- Masoumi, Amirbehnām (2021), "China's Expanding Influence in Africa; will Yellow Colonialism Replace White Colonialis?" eueonews.(Accessed on:20/03/2024)[In Persian]
- Mehr News Agency, (2024), "Horn of Africa; The view of regional and international powers towards the Western Indian Ocean", news code: 6109566, mehrnews.com.(Accessed on:15/04/2025)[In Persian]
- Mirtorabi, Saeed, Sari Aslani, Mahtab, (2020), "The Evolution of China's Political Economy and the Rapid Increase in Its Foreign Aid to Africa", *Strategic Policy Research Quarterly*, Volume 9, Issue 35, pp. 251-281, (<https://doi.org/10.22054/qps.2019.41942.2310>).[In Persian]
- Mokarmipoor, Mohammad Baqer, Mottaqi, Ebrahim, Mirzaei, Bijan, Tahm, Morteza, (2022), "Comparative Analysis of Security from the Perspective of Neorealism and Neoliberal Institutionalism", *Quarterly Journal of Political Interpretation*, Year 4, Issue 11, pp. 155-185.[In Persian]
- Narimani, Golnaz, Akhavan Kazemi, Masoud, Sadeghi, Shams al-Din, (2018), "An analysis of the strategies and tools for consolidating and expanding China's soft power", *Journal of International Relations Studies*, Year 11, Issue 43, pp. 202-165.[In Persian]
- Nasiri, Ali, (2023), "China and the Comprehensive Development of Relations with Africa", Islamic Republic of Iran News Agency (IRNA), News Code: 85163608, irna.ir.(Accessed on:11/02/2024)[In Persian]
- Omidvarnia, Mohamadjavad (2004), "A Look at China-Africa Relations", *Journal of Africa Studies*, No. 10.[In Persian]

- Plasmamedia, (2023), “China’s Investment in African Infrastructure Projects”, Plusmamedia.com(Accessed on:09/08/2024).[In Persian]
- Repnikova, Maria, (2021), ”China’s Soft Power Projection in Africa” Wilson Center, Wilsoncener.org/event/chinas-soft-power-projection-africa.(Accessed on:13/02/2023)
- Sazmand, Bahareh, Darstkar, Zahra, (2022), “China’s Smart Power Strategy in Africa”, *Foreign Relations Quarterly*, Year 14, No. 54, pp. 193-165.(https://doi.org/10.22034/fr.2022.160977)[In Persian]
- Seyfi, Abdul Majid, (2022), “A Comparative Study of the Position of Economic Assistance in the Foreign Policy of the United States and China”, *Quarterly Journal of International Political Economy Studies*, Volume 5, Issue 2, pp. 519-544.(https://doi.org/10.22126/ipes.2022.8227.1503)[In Persian]
- Sheehy, Thomas P.(2021), ”10 Things to Know about the U.S.- China Rivalry in Africa”, United State Institute of Peace.(Accessed on:07/11/2022)
- Sorbon Academy, (2021), “China’s Soft Power in Africa in the Framework of Modern Neo-Confucianism and Grand Strategy, ” Souriancss.com. (Accessed on:17/02/2023)[In Persian]
- Tanchum, Michael, (2021), ”China’s new military base in Africa:What it means for Europe and America”, European Connail on Foreign Relations, ecfr.eu.(Accessed on:10/05/2022)
- Torabi, Mehdi, Soltani, Alireza, Tabatabai Panah, Seyed Ali, (2023), “Perspectives of Political-Economic Relations between Iran and China in the Light of the 25-Year Document”, *Foreign Policy Quarterly*, Year 37, No. 2, pp. 31-56.[In Persian]
- Torabi, Ghasem, Taheri, Abolghasem, (2011), “China’s Actions and Investments in the Energy Market”, *Quarterly Journal of Political Science*, Issue 14, pp. 61-88.[In Persian]

- Usman, Zainab, Xiaoyang, Tang, (2024), "How Is China's Economic Transition Affecting Its Relations With Africa?", Carnegie Endowment for International Peace.(Accessed on:03/03/2025)
- Vines OBE, Alex, Wallace, Jon, (2023), "China-Africa Relations:What are China's objectives in Africa, how valid is the concept of 'debt trap'diplomacy and what are China's military ambition in the region?"Chatham House.(Accessed on:09/07/2024)
- Were, Anzette, (2018), "Debt Trap?Chinese Loans and Africh's Developmente Options", South African Institute of International Affairs (SAIIA), Policy Insights66, pp.1-13.(Accessed on:06/04/2020)
- World Economic Forum (2024), "Why Strong Regional Value Chains will be Vital to the Next Chapter of China and Africa's Economic Relationship", www.The World Economic Forum.com. (Accessed on:10/02/2025)
- Zajontz, Tim, Carmody, Padraig, Bagwndeem, Mandira, Leysens, Anthony (2023), "Africa's Railway Renaissance;The Rol and Impact of China", Routledge, <https://doi.org/10.4324/9781003208594>.
- Zolfaghari, Vahid, (2005), "Security, Development and Strategic Choice: China's Effort to Achieve the Position of a Great Power", *Foreign Relations Quarterly*, Year 7, Issue 2, pp. 163-189. (<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.20085419.1394.7.2.4.3>) [In Persian]